

نسخ خطی و فهرست‌نویسی آن در ایران

حبیب الله عظیمی

استادیار و معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، Azimi@nlai.ir

ایوب نازی

کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، Ayoobnazi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۲۲

چکیده

هدف: این پژوهش به بررسی تولید نسخ خطی و فهرست‌نگاری آن در قلمرو فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی است.

روش: پژوهش حاضر به روش پیمایشی و به صورت مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که در تولید نسخ خطی انگیزه‌های گوناگونی از جمله انگیزه مذهبی، فرهنگی و اقتصادی دخیل بوده است. در زمینه سازماندهی نیز اساتید برجسته فهرست‌نگار ایرانی با سه شیوه سنتی، میانه و مدرن به فهرست‌نویسی این آثار ارزنده تمدن اسلامی پرداخته‌اند. در روند فهرست‌نویسی هر دوره نسبت به دوره‌های بعد تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. در دو شیوه سنتی و میانه میزان تفاوت کار فهرست‌نگاران به گونه‌ای است که آثار سلیقه‌های فهرست‌نگاران در آن مشهود است. در شیوه مدرن فهرست‌نویسی نسخ خطی تا حدودی از قواعد فهرست‌نگاری کتب چاپی استفاده شده است هر چند این شیوه مورد استقبال بیشتر کتابخانه‌ها و فهرست‌نگاران خطی قرار نگرفته است و بنابراین می‌توان گفت در ایران طراحی و تدوین یک شیوه استاندارد فهرست‌نویسی نسخ خطی (ترجیحاً با محوریت کتابخانه ملی و همکاری کتابخانه‌های بزرگ) امری ضروری است.

واژه‌های کلیدی: نسخ خطی، تولید نسخ خطی، فهرست‌نویسی نسخ خطی، فرهنگ و تمدن ایرانی.

مقدمه

کتاب‌های خطی همواره نقش و جایگاهی والا و ارزشمند داشته و دارند. در گذشته در دیوان برخی از سلسله حاکمان و پادشاهان ایرانی، خطاطان، مذهبان، نقاشان و سایر هنرمندان زبردست و ماهر به کار گرفته می‌شدند تا نسخ خطی هنری و ارزشمند و نفیس در آن کانون کتاب آرای تولید گردد که اوج آن نخست در دوره تیموریان و سپس در دوره‌های صفویان و قاجاریان بوده است. اهمیت کتاب و نسخه‌های تولید شده و تزیین شده تا بدان پایه بود که مایه فخر پادشاهان و حاکمان بود. در حال حاضر نیز نقش مجموعه‌های نسخ خطی در شهرت و اعتبار کتابخانه‌های بزرگ و مشهور در خور تأمل است. کشور ایران نیز به جهت دارا بودن گنجینه‌های ارزشمند نسخ خطی - علیرغم خارج شدن تعداد برشماری از نسخه‌های خطی ایرانی در مقاطع مختلف تاریخی - هنوز از لحاظ غنای مجموعه‌ها، دارای اعتبار و جایگاهی والا در جهان است. با این اوصاف، نباید اجازه داد که غبار فراموشی بر چهره این گنجینه‌های ارزشمند بنشیند؛ بلکه باید ضمن حفاظت و نگهداری از این مجموعه‌ها برای معرفی و در دسترس قرار دادن و استفاده از محتوای آن‌ها اقدامات لازم صورت گیرد.

بیان مسئله

در بحث نسخ خطی، نه تنها نگهداری آن‌ها به عنوان گنجینه و اثر ارزشمند تاریخی مهم است؛ بلکه بیشترین ارزش آن‌ها به لحاظ سندیت و ارزش محتوایی تحقیقی آنها است. یعنی هر نسخه خطی به خودی خود قابلیت استفاده تحقیقی برای موارد متعددی همانند تاریخ علم، هنر، صنعت کاغذسازی و کتاب آرای را دارد. همین امر باعث شده است که هرچند نسخه‌های مختلفی از یک عنوان کتاب اگر در دست باشد، هر کدام ارزش خاص خود را دارد و در نسخ خطی، نسخه تکراری به آن معنا که در کتب چاپی مطرح است معنایی ندارد. چون اگر چه محتوای چند نسخه از اثر موجود، یکی است ولی به جهت شرایط زمان و مکان استنساخ و تولید، هر نسخه منحصر به فرد و حاوی اطلاعاتی ارزشمند

است که ممکن است در هیچ جای دیگر یافت نشود. به علاوه از لحاظ محتوایی نیز برای دستیابی به متون اصلی دور از هرگونه تحریف و یا برای شناسایی حلقه‌های مفقوده علمی دارای ارزش فراوان‌اند. به قول استاد حائری در بخشی مانند تدوین تاریخ تمدن اسلامی کاملاً حیاتی هستند. چنانچه بعد از گذشت سال‌ها هنوز تاریخ مستقلی برای علوم اسلامی و بر اساس تحقیقات مسلمانان وجود ندارد. ایشان معتقدند بر مبنای بازشناسی نسخ خطی باید تاریخ علوم اسلامی به دست خود مسلمانان بازنویسی شود (طباطبایی بهبهانی، ۱۳۸۰). با بررسی جایگاه تولید نسخ خطی و فهرست‌نویسی آن در ایران از گذشته تاکنون با توجه به گستردگی مجموعه‌های نسخ خطی موجود در کشور و نقش ایرانیان در تولید و فهرست‌نویسی این آثار، لازم است تلاش لازم جهت آشنا ساختن نسل جدید با این پیشینه علمی و تاریخی انجام شود. بر این مبنای این پژوهش در صدد است تا به بررسی بخشی از این پیشینه بپردازد.

اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی تولید نسخ خطی و روند فهرست‌نویسی آن در قلمرو تمدن اسلامی و ایرانی است.

سوالات پژوهش

۱. تولید نسخ خطی در قلمرو فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی چگونه بوده است؟
۲. روند تحولات فهرست‌نویسی نسخ خطی در ایران از گذشته تاکنون چگونه بوده است؟
۳. دلایل تفاوت‌های موجود در فهرست‌نویسی نسخ خطی در ایران چیست؟
۴. چرا لازم است استانداردی در زمینه فهرست‌نویسی نسخ در کشور وجود داشته باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایشی و به صورت مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

پیشینه پژوهش

عظیمی (۱۳۸۷) تفاوت‌های دوره‌ای فهرست‌نویسی نسخ خطی را در دو دوره سنتی و نوین و روش جدید فهرست‌نویسی نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - به عنوان یک روش استاندارد ملی و منطقه‌ای - را بررسی کرده است .

صدرایی خویی (۱۳۸۰) پیشینه فهرست‌نویسی در تمدن اسلامی و پس از آن روش‌های فهرست‌نویسی و چگونگی فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی از بدو ورود آن به مخزن تا انتشار فهرست نسخه‌های خطی و روش‌های موجود در این زمینه را بررسی کرده است.

رضا خانی‌پور (۱۳۷۸) به بررسی فهرست‌نویسی کتاب‌های خطی از منظر ظاهری و محتوایی پرداخته است.

یزدی مطلق (۱۳۷۷) از اهم وظایف فهرست‌نویسی و انواع فهرست‌نویسی و روش تنظیم فهرست و تاریخچه فهرست‌نویسی از آغاز تا به امروز بحث کرده است .

غالی نصر (۲۰۰۷) به بررسی تنوع فهرست‌نویسی نسخ خطی در مؤسسات مصری و چگونگی تطبیق دادن این روش‌های متنوع پرداخته است.

یافته‌های پژوهش

برای رسیدن به جواب سوالات پژوهش بررسی‌های لازم انجام شد و جواب سوالات پژوهش به ترتیب زیر بدست آمد:

تولید نسخ خطی در فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی

وجه تسمیه کتاب خطی به نام نسخه این بوده است که چون کاتب بر اساس رونویسی از کتاب، رونوشت دیگری فراهم کرده، رونویس جدید، کاتب یا خواننده را از نسخه مأخوذ بی‌نیاز کرده است و چون نسخه یا رونویس جدید، نسخه یا رونویس مأخوذ و قبلی خود را نسخ و ازاله می‌کرده است، از این رو به آن نسخه گفته‌اند که مأخوذ از واژه مبنای نسخ (ن س خ) به معنای زدودن و زایل کردن است که از آیه ۱۰۶ سوره بقره گرفته شده است که البته چنان که راغب اصفهانی هم متذکر شده است از بین بردن و ازاله کردن صورت اولی، در این معنای نسخ در واژه نسخه اقتضا نمی‌کند بلکه نمونه و مثل آن را در شکل و ماده دیگر اثبات و اضافه می‌کند (مایل هروی، ۱۳۸۰).

در زمینه تفاوت‌های نسخه خطی با کتاب چاپی باید گفت که قید دست‌نویس بودن و مربوط به گذشته بودن و استفاده از قلم و مرکب در نسخه خطی ضروری است. در باب اهمیت نسخه خطی نسبت به کتاب چاپی می‌توان به مواردی همچون منحصر به فرد بودن، حاوی اطلاعاتی درباره هویت علمی دوره‌های مختلف، گستره علمی هر دوره (فدائی، ۱۳۸۶)، تکمیل‌کننده حلقه‌های گم‌شده تاریخ علم، تبیین دوره‌ها و سبک‌های هنری گذشته، ساختار زبانی و ادبی هر دوره، میزان توجه صاحبان قدرت به کتاب و نسخه آرایی اشاره نمود. به همین دلیل هر نسخه خطی جدا از محتوای آن، نسبت به کتاب چاپی، در جای خود یک سند تحقیقی درباره گذشته و اوضاع علمی و هنری و اهمیت آن در دوره کتابت و یا سیر تاریخی دست بدست شدن نسخه توسط مالکان آن است. علاوه بر این نسخه‌های خطی دارای حواشی و تعلیقه‌ها هستند که هر کدام از آنها نیز به نوبه خود می‌توانند یک نسخه، سند و موضوع تحقیقی باشند. در مواردی یادداشت‌هایی در خصوص حوادث دوره‌ای خاص یا نام اثری از یک دانشمندی خاص در کتاب‌هایی خطی شناسایی می‌شود که در هیچ منبع دیگری بجز آن

نسخه خاص دیده نمی‌شود و تنها منبع منحصر به فرد این قبیل اطلاعات همان یادداشت درج شده در آن نسخه است.

انگیزه‌های تولید نسخ خطی عبارتند از: انگیزه‌های دینی و اقتصادی، علمی و آموزشی و تربیتی (فدائی، ۱۳۸۶). در باب نسخه آرایی و تکثیر نسخه‌ها در دیوان‌ها و دربارها می‌توان عامل شیفتگی را نیز اضافه کرد.

انگیزه دینی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه و رشد نسخه آرایی در تمدن اسلامی بوده است. چون قرآن دارای بالاترین مرتبه در همه ادوار، نزد اهل ایمان بوده است، بنابراین باید جزو اولین کتاب‌های استنساخ و تزئین شده باشد. همان‌گونه که از حضرت محمد (ص) روایت شده است که اگر از مؤمنی یک ورق نوشته برجای ماند، روز رستاخیز همان برگ بین او و آتش جهنم حاجب و حائل خواهد شد (مایل هروی، ۱۳۸۰).

در بررسی کانون‌های تولید نسخ خطی می‌توان به اختصار گفت که کانون‌های سه‌گانه‌ای در تولید نسخ خطی دخیل بوده‌اند که این کانونها عبارتند از: دانشمندان، دربارها و دیوان‌ها، کتاب فروشان و وراقان (عظیمی، ۱۳۸۸).

کانون دانشمندان: دانشمندان و فضیای جهان اسلام، یا خود کتابت می‌کردند و یا شاگردانشان در حلقه‌های درس در مدارس، مساجد، خانقاه‌ها و... به کتابت گفته‌های استاد می‌پرداختند. در برخی موارد هم برای ماندن در خانقاه‌ها و یا اعطای نذورات نسخی را رونویسی می‌کردند.

کانون دربارها و دیوان‌ها: نخستین کانون‌های نسخه‌نویسی در زمان بنی‌امیه شکل گرفتند و در زمان بنی‌عباس رشد یافتند. ابن ندیم چنین نقل می‌کند:

«خطی پیدا شد که به آن خط عراقی می‌گفتند و همان خط محقق بود که به آن وراقی نیز گفته می‌شد و این خط مرتباً رو به ازدیاد و زیبایی گذاشت تا کار به مأمون رسید و اصحاب و نویسندگان او به نیکو ساختن خط خود پرداختند و مردم بر سر این کار با هم تفاخر داشتند، تا آنکه مردی بنام «احول محرر» پیدا شد که از پرورش یافتگان برمکیان بود و به معانی خط و اشکال آن دانش بسزایی داشت... و نویسنده

نامه‌هایی بود که از طرف سلطان برای ملوک اطراف در طومارها فرستاده می‌شد...». (ابن ندیم، ۱۳۸۱).

نسخه‌نویسی و استنساخ کتاب در کانون نسخه‌نویسان دیوانی در دوره سلجوقی رشد بیشتری داشت و کتاب‌های زیادی در این کانون‌ها کتابت و آرایش و تزئین شد (عظیمی، ۱۳۸۸). بعد از دوره زوالی که برای کتابت و کتاب آرایی در اثر حمله مغول پدید آمد، به همت کسانی مانند خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر دربار تیموریان، ربع رشیدی به عنوان یک شهرک علمی فرهنگی تأسیس شد و در آن مکان تألیف، تدوین و کتابت و استنساخ و تزئین آن‌ها بار دیگر رواج یافت. در دوره‌های بعدی، صفویان این روند را ادامه دادند؛ ولی در دوره قاجار و با ورود صنعت چاپ به ایران، تولید نسخه‌های خطی کاهش یافت.

یکی از ویژگی‌های بارز آثار کانون‌های دیوانی تولید نسخه‌های نفیس هنری در این کانون‌هاست چون هنرمندان برجسته از سراسر مملکت به دیوان و دربار دعوت می‌شدند و هنرمندان دیوانی در زمره نامدارترین هنرمندان دوره خود و یا دوره‌های بعد بوده‌اند.

کانون وراقان: وراقان افرادی نسخه‌شناس و کتاب‌شناس بودند و برخی از آن‌ها در زمره شاعران و ادیبان بودند مانند ابن ندیم که الفهرست را در حجره وراقی خود تألیف کرد (عظیمی، ۱۳۸۸). این افراد از طریق کتاب‌فروشی و نسخه برداری امرار معاش می‌کردند؛ ولی نسخه‌های تولیدی این کانون از تزئینات نسخه آرایی کمتری برخوردار بود تا توانایی خرید نسخه برای افراد عادی جامعه وجود داشته باشد.

در این کانون چون اکثر موارد کار کتابت توسط کاتب در برابر مزد انجام می‌گرفته و عجله و سرعت هم در دستور کار بوده برخی از نسخه‌های کم‌اعتبار و پر غلط هم منسوب به این کانون می‌تواند باشد. نظامی گنجوی در خمسه، لیلی و مجنون، بخش ۴۳، وفات یافتن ابن سلام شوهر لیلی، درباره اشتباه کاتبان آورده است:

کم یابد کاتب قلم راست

آن هر دو حساب را به هم راست^۱

در هر سه کانون و نزد همه مردم در همه اعصار زیبایی خط به عنوان یکی از ارکان اصلی کتاب، یک فضیلت به حساب می آمده است؛ زیرا هر مقدار هم کار کتاب آرایبی قوی باشد تا خط کاتب آن زیبا نباشد، زیبایی کتاب جلوه گر نمی شود. ابن ندیم نیز در الفهرست به نقل از بزرگان در مورد مدح خط چنین آورده است:

«اقلیدس گوید: خط هندسه ایست روحانی؛ اگرچه با وسیله جسمانی ظاهر شده است. ابودلف گوید: خط، بوستان دانش است. نظام گوید: خط امری روحی است؛ اگر چه در حواس بدنی ظاهر است».

فهرست نویسی

فهرست در معنای عام هر نوع لیست یا سیاهه است. در معنای اصطلاحی آن در کتابداری و کتاب شناسی سستی به معنای کتاب شناسی، نمایه و نمایه ی پایان کتاب بکار رفته است. اما در کتابداری نوین، فهرست سیاهه ای از مواد (کتابخانه ای) است که بر حسب طرح و نقشه ای معین منظم شده باشد و تمایز آن با کتاب شناسی این است که منابع موجود در یک مجموعه خاص را ضبط و توصیف می کند. فرایند تولید فهرست ها را فهرست نویسی می نامند (افشار زنجانی، ۱۳۸۵).

فهرست نویسی فرایندی است که طی آن مشخصات ظاهری و محتوایی؛ یعنی اطلاعات کتاب شناختی مواد و منابع اطلاعاتی در برگه های استاندارد یا رکوردهای ماشین خوان ثبت می شود و هدف آن ایجاد فهرستی برای بازیابی مواد است (فتاحی، ۱۳۸۵).

فهرست نویسی نسخ خطی

مجموعه فعالیت هایی که به تهیه صورت نظام مند نسخه های خطی در یک یا

چند کتابخانه می‌پردازد و دستیابی به محتوای فکری آن را تسهیل می‌کند (عظیمی، ۱۳۸۵).

اصول و قواعد کلی حاکم بر فهرست‌های ایرانی

هر فهرست نسخه‌ی خطی باید دارای دو قسمت باشد: کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی.

۱- بخش کتاب‌شناسی شامل قسمت‌های معنوی و محتوایی کتاب است؛ به عبارت دیگر اقلام اطلاعاتی ثابت، معین و غیر قابل تغییر در هر عنوان کتاب خطی جزو بخش کتاب‌شناسی است؛ مانند مطالبی در باره عنوان، مؤلف، موضوع، ابواب و فصول و زبان کتاب.

۲- بخش نسخه‌شناسی مشتمل بر قسمت‌های ظاهری و فیزیکی نسخه است و اقلام اطلاعاتی متغیر بر پایه نسخه‌های متعدد از یک عنوان کتاب خاص، جزو نسخه‌شناسی محسوب می‌شود؛ مانند مطالبی درباره ویژگی‌های کاغذ، تعداد و اندازه اوراق، نوع خط و تعداد سطور و... در هر نسخه نسبت به یک نسخه دیگر.

کارکردهای فهرست‌نویسی نسخ خطی

الف- شناسایی نسخه‌های خطی موجود از آثار دانشمندان، ادیبان و علما.

ب- شناسایی آثار مفقوده که نسخه‌های آن‌ها تاکنون از دید محققان به دور مانده است.

ج- شناسایی کانون‌های علمی، ادبی، دینی و هنری در دوره‌های مختلف با توجه به آثار بجای مانده از هر دوره.

و- نمایاندن سیر تحول علوم با توجه به آثار برجای مانده و ...

ه- شناسایی و معرفی نسخه‌های مشابه از یک عنوان در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های دیگر.

حائری یکی از بنیانی‌ترین و در عین حال پر ارزش‌ترین کارکردها را برای فهرست‌نگاری به صورت زیر بیان کرده است:

«فهرست‌نگاری دقیق و درست نسخه‌های خطی عامل اصلی خودشناسی و مقدمه‌نگارش دقیق تاریخ علم مسلمانان است» (شکراللهی، ۱۳۸۳).

رویکردی که در گذشته نسبت به فهرست و وظیفه و تعریف آن وجود داشت، متفاوت از رویکرد و تعریف امروزی بود. تا قبل از ۱۳۰۵ شمسی، فهرست بیشتر به معنای یک سیاهه بود که کتاب‌های موجود در مجموعه‌های شخصی یا تألیفات یک نفر خاص را نشان می‌داد؛ در دوره معاصر و بعد از ۱۳۰۵ این تلاش‌ها مراحل تکامل را طی کرد. در نخستین دوره فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی در دوران معاصر، کوشش‌های آقایان میرزا اوکتایی (فهرست مشهد)، ابولقاسم اعتصام‌الملک (فهرست کتابخانه مجلس)، حدائق شیرازی (فهرست کتابخانه سپهسالار) و عبدالعزیز جواهرکلام (کتابخانه معارف) فراموش نشدنی است. آن‌ها کوشیدند اطلاعات شخصی و ضوابط سنتی و معیارهای تازه موجود در فهرست‌های نگارش یافته توسط شرق‌شناسان را با هم جمع کنند و به این طریق فهرست‌های اولیه ایران منتشر شد (سلجوقی، ۱۳۵۹).

در دوره معاصر وظیفه فهرست‌های نسخ خطی، تنها نشان دادن کتب موجود نیست بلکه کمک به جوینده در یافتن کتاب خاص با موضوع کاملاً مرتبط با نیاز جوینده است. بر اساس این دیدگاه، خیلی از صاحب‌نظران، از یک بعد فهرست‌نویسی را یک علم به حساب می‌آورند؛ چرا که جدای از گردآوری اطلاعات مربوط به نسخه و کتاب [فن]، به تحلیل تاریخی اطلاعات درباره نسخه اهتمام دارد (مرادی، ۱۳۷۹) که این یک کار علمی و تحقیقی است.

شیوه‌های فهرست‌نویسی نسخ خطی در ایران

برای فهرست‌نویسی در ایران می‌توان قائل به سه شیوه شد:

۱- سنتی.

۲- میانه.

۳- مدرن.

شیوه سنتی

شیوه سنتی شیوه‌ای است که تا قبل از سال ۱۳۰۵ ش در بین فهرست‌نویسان مسلمان رایج بوده است. تهیه فهرست برای کتاب‌ها از سده دوم و سوم هجری در بین دانشمندان اسلامی رواج یافت و فهارس متعددی در این زمینه تدوین گردید. در این شیوه، بیشتر تاکید بر تهیه فهرست‌های سیاهه مانند و برشمردن آثار بوده است. در فهرست‌های این دوره دو دیدگاه حاکم بوده است. دیدگاه اول که به کتاب به عنوان یک شیء ذی‌قیمت توجه می‌شده است و غرض از تنظیم آن، مراقبت و حفظ کتاب‌ها بوده که به آن سیاهه گفته می‌شود. دیدگاه دوم که جنبه علمی داشته و بیشتر متوجه ماهیت کتاب‌ها بوده و به فهرست و فهرست‌گان امروزی نزدیک‌تر است و آن فهرست نامیده می‌شود. برای نمونه اول، می‌توان طومار تهیه شده برای گنجینه شیخ صفی در سال ۱۱۲۷ هجری قمری بعد از حوادثی که بر سر آن گذشت را نام برد که در آن همراه با احصاء مشخصات سایر اشیا و کتب نیز یاد شده است. برای کتاب‌ها، تعداد مجلدات هر عنوان، ذکر ناقص اسم اشهر هر کتاب، اوصاف جلد، کاغذ، خط و صنایع حواشی آن ذکر شده است (سلجوقی، ۱۳۵۹). برای نمونه دوم می‌توان از کارهای دانشمندان و علم‌دوستانی چون ابن ندیم، شیخ طوسی، حاجی خلیفه و شیخ آقا بزرگ طهرانی، نام برد.

در این شیوه فهرست‌های کتب همراه با رجال‌شناسی آمده و با گذشت زمان کم‌کم این دو از هم جدا شده‌اند. بر این اساس برای فهرست‌های قدیمی باید این دوره را مد نظر قرار داد:

۱. دوره ترکیبی: در این دوره فهرست‌های کتب در متن رجال‌شناسی‌ها وجود داشت و هنوز این دو مقوله از یکدیگر در منابع متمایز نشده بودند. از این گروه می‌توان کتاب‌هایی همانند الفهرست ابن ندیم، الفهرست شیخ طوسی در میان

متقدمین و ریحانه الادب و روضات الجنات در میان متاخرین نام برد. به عنوان مثال در الفهرست ابن ندیم، با وجود اینکه اصالت با پدیدآوران است و کتابها در ذیل سرگذشت پدیدآوران برشمرده شده است، در بیشتر موارد نام کتاب دقیقاً ذکر شده و در برخی جاها تقسیم‌بندی فصول و ابواب کتاب، موضوع و محتوای رساله یا کتاب، خصوصیات نسخه و حتی یادداشت‌های بزرگان در ظهر آن نسخه نقل شده است.

به طور کلی ابن ندیم در گزارش آثار دانشمندان، به ذکر نام کامل کتاب و در برخی موارد گزارشی از بخش‌های داخلی کتاب، تعداد برگ‌های آن و یادداشت‌های آغازین برخی نسخه‌ها اکتفا نموده است (صدرایی خویی، ۱۳۸۰).

۲. دوره جدا شدن فهرست‌ها از کتب رجالی، که نمونه بارز و تکامل یافته این فهرست‌ها کتاب‌های الذریعه و کشف الظنون است. کشف الحجب و الاستار از کتوری و مرآة الکتب اثر ثقه الاسلام تبریزی، نیز در دوره بعد از این قبیل است.

حاجی خلیفه در فهرستش از روش الفبایی برای تنظیم عنوان کتاب‌ها استفاده کرده است و در ذیل هر عنوان که متناسب با نام موضوعی از علوم بود، گزارشی از آن علم، موضوع، مسائل و آثار مهم آن ارائه داده است. پس از آن اگر کتابی دارای شروح و حواشی بوده، آن‌ها را نیز در ذیل عنوان اصلی گزارش کرده است برای مثال حاجی خلیفه در معرفی یک اثر از عنوان آن، نام مؤلف، سال تألیف و سال درگذشت مؤلف یاد کرده و در معرفی متن اثر صرفاً به گزینش و نقل عبارت صاحب اثر از مقدمه آن اکتفا کرده است (صدرایی خویی، ۱۳۸۰).

شیخ آقا بزرگ طهرانی در الذریعه ابتدا عنوان کتاب را به صورت الفبایی و بعد از آن نام و دوره تاریخی زندگی مؤلف و احیاناً کتابخانه‌ای که نسخه اثر در آن موجود است را ذکر کرده است. برای نمونه بنگرید به (مدخل شماره ۷۹۲: اصول الفقه: لمیرزا عبدالجواد بن سلیمان النیسابوری).

آنچه در این فهرست‌ها آمده است تفصیل فهرست‌های متاخرین را ندارند اگر در جایی هم اطلاعات بیشتری از حد معمول فهرست برای یک مدخل داده

شده است دارای تفکیک در دو بخش کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی (از ویژگی‌های فهرست‌های دوره میانه) نیستند.

شیوه میانه

شیوه میانه از سال ۱۳۰۵ با انتشار اولین جلد از فهرست کتاب‌های کتابخانه آستان قدس شروع شد؛ در کار تمام فهرست‌نگاران این دوره، این فهرست‌ها دارای وجوه مشترکی در کلیت مربوط به ذکر دو بخش کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی هستند؛ اما در ریزه‌کاری و تقدم و تأخر عناصر اطلاعاتی، تعداد فیلدهای ضروری که برای هر بخش از کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی باید ذکر گردد و میزان تفصیلی که هر فیلد باید داشته باشد، هماهنگی وجود ندارد و هر فهرست‌نویس اسلوب خاص خود را دنبال می‌کند. به گفته اشکوری، حتی یک فهرست‌نویس هم گاهی چند روش را در فهرست‌هایش بکار گرفته است (اشکوری، ۱۳۸۷).

بیشتر فهرست‌های فهرست‌نگاران ایرانی تدوین شده بعد از سال ۱۳۰۵ دارای این شیوه می باشند و تا عصر حاضر هم این شیوه فهرست‌نویسی در کنار فهرست‌نویسی مدرن ادامه یافته است. در آغاز این دوره فهرست‌های کتب چاپی و خطی همانند جلد اول فهرست آستان قدس با هم و در یک مجلد فهرست‌نویسی و چاپ شده‌اند؛ ولی در دوره بعد، فهرست‌های این دو نوع کتاب از هم جدا شده و تقسیم‌بندی‌های دیگری برای تنظیم فهرست‌های کتب خطی اعمال گردید که عبارتند از:

۱. تقسیم‌بندی موضوعی: مانند فهرست‌های آستان قدس رضوی و برخی از مجلدات فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۲. تقسیم‌بندی زبانی: مانند فهرست‌های کتابخانه ملی که در شش جلد اول کتاب‌های فارسی و در بقیه مجلدات کتاب‌های عربی فهرست شده‌اند.

۳. تقسیم و ترتیب بر اساس تاریخ ورود کتب به کتابخانه و شماره ثبت اختصاصی به آن‌ها مانند فهرست‌های کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و اکثر فهرست‌های موجود در کشور.

برای هر یک از این تقسیمات در فهرست‌های نسخ خطی مزایا و معایبی وجود دارد؛ برای نمونه در تقسیم موضوعی باید تا زمانی که تعداد مجلدات فهرست شده در یک موضوع یا چند موضوع به حد کافی جهت چاپ در یک جلد فهرست برسد کتاب‌ها باید در انتظار فهرست و انتشار بمانند و بالتبع اطلاع رسانی آنها ممکن نیست. در عین حال، این روش باعث فهرست شدن کتاب‌های هم موضوع در کنار یکدیگر و در یک جلد خاص می‌شود و استفاده کننده را با بیشترین تعداد از کتاب‌های موجود از یک موضوع در مجموعه کتابخانه آشنا می‌کند با وجود این، سبب پراکندگی در فهرست‌های منتشر شده از کتاب‌های یک مجموعه خاص می‌شود. در روش فهرست‌نویسی بر اساس تاریخ ورود به کتابخانه و شماره ثبت اختصاصی به کتاب، یافتن کتاب‌های هم موضوع مشکل‌تر از روش فهرست موضوعی می‌باشد؛ ولی در مقابل، سرعت انتشار فهرست‌ها بالا می‌رود و به لحاظ فهرست کردن مجموعه‌های خاص و امین اموالی آن‌ها و تطبیق شماره ثبت و شماره بازیابی و کنترل مجموعه، شیوه مناسب‌تری است.

در فهرست‌های فهرست‌نویسان دوره میانه، تفاوت‌هایی وجود دارد که عبارتند

از:

۱- با وجود اینکه همه‌ی فهرست‌ها قائل به دو بخش کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی هستند، ولی در نحوه آوردن این دو بخش متفاوتند. در بعضی فهرست‌ها، قسمت کتاب‌شناسی اول آمده و بعد از آن ویژگی‌های نسخه‌شناسی ذکر شده است. ولی در برخی از فهرست‌های دیگر برعکس این حالت وجود دارد.

۲- در میزان اختصار و تفصیل مطالب در فهرست‌ها تفاوت وجود دارد. در بعضی از فهرست‌ها، ویژگی‌های کتاب‌شناسی کامل و مفصل آمده و حتی در آن

توضیحات زاید نیز دیده می‌شود. ولی در بعضی دیگر این توضیحات کوتاه و مختصر است و در برخی موارد ناقص است. در برخی دیگر از فهرست‌ها، فهرست‌نگاران اصل اعتدال را رعایت کرده‌اند و از اصل معرفی نسخه‌های نادر، ناشناس و مجهول‌الهویه به صورت مفصل و معرفی نسخه‌های مشهور و پرشمارتر به صورت اختصار پیروی کرده‌اند.

۳- در بخش توصیف مجموعه‌ها و جُنگ‌ها و نحوه معرفی آن‌ها، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. در برخی از فهرست‌ها معرفی و شناساندن مجموعه‌ها یا جنگ‌ها بسیار مختصر است و تنها به ذکر عنوان رساله‌ها اکتفا شده است که در این حالت بخش وسیعی از اطلاعات کتاب‌شناختی عناوین آورده نشده است. در برخی دیگر مجموعه‌ها و جنگ‌ها به گونه‌ای مفصل فهرست‌نویسی شده‌اند، به گونه‌ای که هر یک از عناوین به اندازه یک کتاب مستقل معرفی شده است. برخی دیگر نیز اسلوب واحدی ندارند و بین دو شکل قبلی در نوسان هستند.

۴- در بخش معرفی و ارائه اطلاعات نسخه‌شناسی نیز تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. در بعضی از فهرست‌های نسخ خطی، اطلاعات نسخه‌شناسی بسیار کوتاه و مختصر است و تنها به ذکر تعداد صفحات، نوع خط، و تاریخ کتابت بسنده شده است؛ ولی در برخی دیگر اطلاعات نسخه‌شناسی به صورت کاملاً مفصل آمده است؛ برای نمونه علاوه بر نوع خط، در مورد کیفیت آن نیز بحث شده و یا علاوه بر ذکر تزیینات به ذکر کاتب هنری آن نیز پرداخته‌اند. در این نوع فهرست‌ها علاوه بر ذکر نوع جلد و تزیینات و جنس آن، درباره کیفیت جلد نیز نظر داده شده است و حتی یادداشت‌هایی را که در صفحات اول یا آخر نسخه درباره تولدها، مرگ‌ها، حوادث و... است را نیز در فهرست خود منعکس کرده‌اند (عظیمی، ۲۰۰۲).

شیوه مدرن

نقطه آغازین شیوه نوین را می‌توان در فهرست‌های کتابخانه ملی مشاهده کرد. برخی از ویژگی‌های آن عبارتند از: مستند کردن موضوعات و اسامی، سرشناسه

قرار گرفتن پدیدآور به جای عنوان کتاب، دادن شناسه افزوده به کاتب و بکارگیری قالب مارک برای ورود اطلاعات فهرست‌نویسی در پایگاه اطلاعاتی کامپیوتری نسخ خطی و مواردی از این قبیل.

فهرست‌نویسی کتب خطی به شیوه مدرن در ایران تحت تأثیر قواعد فهرست‌نویسی انگلوامریکن (ویراست دوم) قرار گرفت که در این شیوه سعی بر آن شده تا علاوه بر حفظ و یا اصلاح و تطبیق برخی از خصوصیات فهرست‌نویسی سنتی ایرانی - اسلامی از قواعد جهانی در زمینه فهرست‌نویسی نیز در این زمینه تبعیت شود. بر این اساس کاربرگ‌های جدیدتری تهیه شد که کاربرگ قبلی کتابخانه ملی (مورد استفاده در جلد‌های ۱۵ تا ۲۲) نمونه بارز این امر است.

با ورود کامپیوتر به عرصه فهرست‌نویسی و نیاز به ذخیره و تبادل اطلاعات در بانک‌های اطلاعاتی نیاز به قالبی جهت ذخیره وجود داشت. کتابخانه ملی برای اولین بار از قالب مارک جهت ذخیره اطلاعات استفاده کرد و بر این مبنای کاربرگ‌های بر اساس مارک ایران طراحی گردید و در آن عناصر اطلاعاتی بیشتری بر اساس قواعد فهرست‌نویسی موجود در جهان در زمینه فهرست‌نویسی نسخ خطی در نظر گرفته شده است.

انواع فهرست‌های نسخ خطی در ایران

فهرست‌ها را از منظرهای گوناگونی از قبیل حوزه شمول منابع، نوع اطلاعات ارائه شده و کیفیت کار فهرست‌نگار می‌توان تقسیم بندی نمود. از دیدگاه نوع اطلاعاتی که برای هر اثر بیان می‌شود فهرست‌ها به گونه‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱. تحلیلی - انتقادی: فهرست‌نویس به تحلیل و بررسی موضوع و محتوا بر اساس موازین اخلاقی، شرعی و علمی می‌پردازد از قبیل کتاب سعد السعود ابن طاوس.

۲. موضوعی: فهرست کتاب‌های موجود را بدون توجه به عصر تألیف آن‌ها، بر حسب موضوع بیان می‌کند مانند فهرست ابن ندیم.

۳. تاریخی: فهرست‌نویس به بررسی اثرات یک اثر قدیمی‌تر بر آثار پس از خود می‌پردازد و در آن از فکر انسانی و دانش بشری بحث می‌شود مانند کتاب کشف‌الظنون حاجی خلیفه.

نوعی دیگری از تقسیم‌بندی فهرست‌ها به اعتقاد احمد منزوی بر اساس کیفیت تحقیق فهرست‌نگار این چنین است:

«فهرست‌های نامگو، فهرست‌های توصیفی، فهرست‌های توصیفی - تحقیقی

۱. فهرست‌های نامگو: فهرست ساده یا سیاهه، یا «هندلیست» (Hand list)، که فهرست‌نگار در کار خود تنها به نام کتاب، نام نگارنده و مترجم، یا سراینده بسنده می‌کند و در بخش نسخه‌شناسی تنها به نام کاتب می‌پردازد و احياناً سال کتاب؛ و عمده کار او شماره قفسه است.

۲. فهرست‌های توصیفی: [فهرست نگار] تنها به «مافی الدفتین» می‌پردازد [د]: نام کتاب، نام نگارنده، نام مهدی الیه اگر در دیباچه آمده باشد، شماره بخش‌ها، و احياناً نمایه‌ای از مطالب کتاب، سال نگارش، آغاز نسخه در دست؛ و در پی این بخش فهرست‌نگار به نسخه‌شناسی می‌پردازد و [این بخش] را به نسبت کامل گزارش می‌کند.

۳. فهرست توصیفی-تحلیلی: در این روش فهرست نگار، گذشته از توجه به همه روش‌های بکار گرفته در فهرست‌های توصیفی به منابع دیگر کتاب‌شناسی مراجعه می‌کند. نسخه در دست با نسخه‌های دیگر آن سنجیده می‌شود و به [تفاوت‌های آن] با نسخه‌های دیگر، به کوتاهی اشاره می‌کند.

در این روش آگاهی‌های بدست آمده از نسخه [موجود] با آگاهی‌های دیگران سنجیده شده و به گونه‌ای سنگ محکی است بر درستی آگاهی ما از نسخه. از سوی دیگر کتاب مورد بررسی در فضایی گسترده از کتاب‌های هم نام یا هم

موضوع، تنها و غریب رها نمی‌شود. کتاب مورد بررسی به هم خانواده خود پیوست داده می‌شود..» (منزوی، ۱۳۸۴).

دلایل عدم یکدستی در فهرست‌نویسی نسخ خطی در ایران

بر خلاف فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی در ایران، فهرست‌نگاری کتب خطی به دور از یکدستی است و اکثر کارشناسان معتقدند که در فهرست‌نویسی نسخ خطی ایران سلیقه فردی فهرست‌نویس دخالت زیادی دارد. این امر می‌تواند دلایل مختلف داشته باشد.

۱- نداشتن تحصیلات دانشگاهی تا دوره معاصر. چون یکی از ویژگی‌های آموزش‌های رسمی و دانشگاهی می‌تواند یکدست کردن افکار و دیدگاه‌ها و رویکردها خصوصاً در زمینه کاری و علمی باشد.

۲- نبود قواعد مدون یکدست و مورد پذیرش تمام فهرست‌نگاران نسخ خطی که بتواند راهنمای کار قرار گیرد؛ و در کنار این امر بی‌توجه بودن اکثر فهرست‌نگاران پیشکسوت به قواعد جهانی موجود برای فهرست‌نویسی نسخ خطی

۳- بینش اکثر صاحب نظران (خصوصاً دوره میانه) مبنی بر اینکه فهرست‌نویسی نسخ خطی یک کار پژوهشی است. بنابراین دیدگاه، برخی از صاحب نظران معتقدند که فهرست‌نویس قسمتی از کار محقق را هم انجام می‌دهد. این دیدگاه باعث شده است که برخی از فهرست‌نویسان بیشترین اطلاعات را در فهرست برگه‌های خود منعکس کنند ولی برخی دیگر دیدگاه میانه روتری دارند و میزان کمتری از اطلاعات را در فهرست‌ها آورده‌اند.

۴- در دسترس نبودن برخی از ابزارهای مناسب کار فهرست‌نویس نسخ خطی از قبیل: مستند مشاهیر مخصوص کتب خطی خصوصاً برای کاتبان، نبود سرعنوان‌های موضوعی مختص نسخ خطی که باعث

یکدستی در کار فهرست‌نویسی می‌شود و نبود قواعد مدون مورد قبول همه فهرست‌نگاران.

لزوم وجود استاندارد فهرست‌نویسی

هر کتاب خطی علاوه بر محتوای آن می‌تواند از جنبه‌های فیزیکی از جمله سبک نوشتاری و هنری، تذهیب، نوع کاغذ، نوع جلد، نوع خط و یادداشت‌های تملک، وقف، حوادث ادوار مختلف تاریخی که توسط مالکان نسخه در اوراق ظهیره درج کرده‌اند نیز قابل تحقیق و بررسی محققان باشد. بر این اساس اطلاعات قابل بررسی در نسخ خطی طیف وسیعی از مطالعات هنری و فرهنگی تا تاریخ اجتماعی و پیشرفت‌های صنعتی را شامل می‌گردد.

اگر کاربرانی که به فهرست نسخه‌های خطی مراجعه می‌کنند در معرفی جنبه‌های محتوایی و فیزیکی کتاب با یک استاندارد یا الگوی خاصی مواجه شوند دچار سردرگمی کمتری خواهند شد. هر نسخه خطی اگر بر پایه توضیحات کامل و یکدست کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی در فهرست‌ها معرفی شده باشد، می‌تواند با نیاز کاربر مطابقت بیشتری داشته باشد، بدون شک این امر یکی از اهداف و فلسفه فهرست‌نویسی می‌باشد. چون هدف از تهیه فهرست، راهنمایی خواننده در یافتن اثر مورد نیازش قبل از مراجعه به خود اثر است. این امر نیز به نوبه خود تعداد مراجعات و استفاده‌های مبتنی بر آزمون و خطا و استهلاک کتاب خطی را کاهش می‌دهد؛ زیرا کاربر با مراجعه به فهرست‌ها، منبع مورد نظرش را دقیق‌تر انتخاب می‌کند و این امر به نوبه خود باعث انتخاب مرتبط‌تر می‌شود.

بحث کاهش مراجعات غیر ضروری به اصل کتاب خطی سبب می‌شود تا بدون خارج شدن اثر از چرخه اطلاعات و استفاده، میزان آسیب رسیدن به نسخه تا حد زیادی کاهش یابد و این امر گام مهمی در راستای حفاظت و نگهداری نسخه‌های خطی است.

بر این اساس در هر دوره‌ای سعی بر آن شده است که قواعدی خاص برای فهرست‌نویسی نسخ خطی بکار گرفته شود. این امر در نقاط مختلف جهان به

اشکال گوناگون نمود پیدا کرده است. برای نمونه تغییراتی که در ویرایش دوم انگلو امریکن نسبت به ویرایش اول داده شد، توسعه و ارائه کدها و نواحی بیشتر در قواعد جدیدتر (با توجه به وجود قواعد انگلو امریکن) از قبیل AMREMM. در ایران و کشورهایی همچون مصر شرایط به گونه‌ای دیگر بوده است. ولید غالی نصر درباره مصر چنین می‌گوید: در چند دوره افراد و کتابخانه‌هایی از جمله توفیق اسکندر ۱۹۶۵، صلاح الدین المناجد ۱۹۷۳ و کتابخانه‌های مرکزی نسخ خطی اسلامی، اسکندریه در جهت تدوین قواعد فهرست نگاری نسخ خطی اقدام کرده‌اند (غالی نصر، ۲۰۰۴) بنا بر تحقیق ایشان مشخص می‌گردد که در هر دوره سعی شده تا تعداد بیشتری از عناصر نسبت به دوره قبل در فهرست‌ها مطرح گردد. نقطه مشترک این فعالیت‌ها آن است که در هیچ یک از موارد از یک الگوی مطرح شده توسط دیگران پیروی نشده است و اگر جایی از قواعد AACR2 نیز استفاده شده است برخی از نواحی آن تغییر داده شده است از جمله کار کتابخانه اسکندریه در بکار بردن فیلد ۲۶۰، با توجه به اینکه این فیلد به کتاب‌های خطی در اصل داده نشده است.

در ایران هم با توجه به اینکه فهرست‌نگاران دوره میانه قواعد انگلو امریکن را در بخش نسخه‌شناسی ناکافی دیده‌اند، آن را به کلی کنار گذاشتند و مزیت‌هایی همچون نحوه مستند کردن را نادیده گرفته‌اند. ولی در دوره بعد و اوایل ورود به مرحله مدرن فهرست نگاری نسخ خطی ایران، در کار کتابخانه ملی پیوندی بین فهرست‌نویسی نسخ خطی در کتابخانه و این قواعد برقرار شد و سرآغاز دوره‌ای جدید در بخشی از فهرست‌نویسی نسخ خطی ایران شد. بعد از این مرحله و با ورود کامپیوتر به عرصه کار کتابخانه‌ها و اقدامات جهانی در زمینه استفاده از قالب مارک جهت ماشین خوان کردن اطلاعات کتاب‌شناختی و ایجاد پایگاه‌های الکترونیکی این اطلاعات و ایجاد قالب مارک ایران، کاربرگ‌ها و تعداد آیتم‌های ذکر شده برای نسخه خطی نیز بی‌تأثیر نماند و در کتابخانه ملی کاربرگ‌ای بر مبنای قالب مارک طراحی شد.

با این وجود در بین برخی از فهرست‌نگاران و کتابخانه‌های بزرگ، قواعد فهرست‌نگاری جهانی تاکنون چندان مورد پذیرش قرار نگرفته است علاوه بر آنکه در کشور نیز الگوی واحد و مورد پذیرش تمام فهرست‌نویسان و کتابخانه‌ها به عنوان الگوی استاندارد ملی وجود ندارد و چه بسا روش‌ها به تعداد کتابخانه‌ها و فهرست‌نگاران دارای تنوع است.

منابع

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱). *الفهرست*، ترجمه محمد رضا تجدد. تهران: اساطیر. ۱۴.
- اشکوری، سید جعفر (۱۳۸۷). *فهرست‌نویسی و انتشار نسخ خطی و تأثیر آن در تحقیق و پژوهش*، مصاحبه‌گر: امیر حسین شرافت. *کتاب ماه کلیات* (۱۲۵): ۵-۱۳.
- افشار زنجانی، ابراهیم (۱۳۸۵). *فهرست. دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. بازیابی ۱۲ شهریور ۸۸ از: <http://portal.nlai.ir/daka/Wiki>
- افضلی، مهدی (۱۳۸۷). *تحلیلی بر آمار نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ترکیه*. دو فصلنامه آینه میراث (۴۲): ۷۴-۹۹.
- خانی پور، رضا (۷۸). *درآمدی بر فهرست‌نویسی نسخ خطی*. فصلنامه کتاب، (۴۰): ۳۷-۴۸.
- سلجوقی، شهره (۱۳۵۹). *سیر فهرست‌نگاری و تدوین کتاب‌شناسی معاصر در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- شکراللهی، احسان (۱۳۸۳). *نقش پایگاه جامع اطلاعاتی نسخ خطی در تدوین تاریخ علم ایران و اسلام* با تأکید بر دیدگاه‌های استاد عبدالحسین حائری. *کتاب ماه کلیات* (۸۲-۸۱): ۲۰-۲۵.
- صدرایی خوبی، علی (۱۳۸۰). *دانش فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی*. پژوهش و حوزه (۸)، ۱۰۴-۱۱۵.
- طباطبایی بهبهانی، سید محمد منصور (۱۳۸۰). *فهرست‌نگاری از دیدگاه استاد عبدالحسین حائری*. پیام بهارستان (۷): ۶-۱۸.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۸). *نسخ خطی فارسی، میراث علمی مشترک و عامل پیوند فرهنگی دو ملت ایران و هند*. *مزدک نامه* (۲)، (۵۰-۶۱). تهران: نشرخواهان.
- _____ (۱۳۸۷). *نگاهی نو به فهرست‌نویسی نسخ خطی و پیوند میان شیوه‌های شیوه‌های سنتی و نو*. آیین میراث، (۴۹): ۱۲۹-۱۳۹.
- _____ (۱۳۸۳). *در اندیشه فردای نسخه‌های خطی*. آیین میراث، (۲۶): ۲۸-۳۱.

_____ (۱۳۸۵). فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی. دایرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی..

بازیابی ۱۲ شهریور ۸۸ از: <http://portal.nlai.ir/>

_____ (۲۰۰۲). *اعادة النظر في قواعد فهرسة المخطوطات العربية في ايران*. محاضرات مؤتمر

المخطوطات العربية في ايران. دمشق: المستشارية الثقافية الجمهورية الاسلامية ايران به دمشق.

_____ (۱۳۸۵). فهرست‌نویسی. *دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی*. بازیابی ۱۲ شهریور

۸۸ از: <http://portal.nlai.ir/daka/Wiki>

فدایی، غلامرضا (۱۳۸۶). *آشنایی با نسخ خطی و آثار کم یاب (فارسی و عربی)*. تهران: سمت.

مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰). *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*. تهران: کتابخانه،

موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

محمدی، حمید رضا. گنجور رومیزی ویرایش ۱.۹. دریافت شده در ۲ فروردین ۱۳۸۹، از وب سایت

سازنده: <http://ganjoor.sourceforge.net>

منزوی، احمد (۱۳۸۴). *شیوه فهرست‌نگاری کتاب‌های خطی (مصاحبه‌گر عبدالله انوار)*، در احمدرضا

رحیمی ریس (گردآورنده). *نسخه خطی و فهرست‌نگاری در ایران*، مجموعه مقالات و جستارهای به

پاس زحمات سی ساله فرانسیس ریشارد *نسخه شناس برجسته فرانسوی/دفتر یکم*، به کوشش.

تهران: مرکز پژوهش‌های میراث مکتوب. ۱۱۹-۱۳۷.

وفادار مرادی، محمد (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر اصول و قواعد فهرست‌نگاری در کتب خطی*. تهران:

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

یزدی مطلق، محمود (۱۳۷۷). *درآمدی بر فهرست‌نویسی نسخ خطی*. نشریه دانشکده‌ی الهیات مشهد:

۴۱ و ۴۲

Ghali Nasr, W (2007). Different Practices in Manuscript Cataloging in Egypt: How could they be reconciled?. The 3rd Islamic Manuscript Conference 28-31 Aug. 2007 University of Cambridge, UK.